بازداشت عاملان شهادت ماموران کلانتری

عاملان شهادت مامور و سرباز کلانتری ۱۳ بندر امام خمینی(ره) شهرستان بندرماهشهر بازداشت شدند.

سردار حیدر عباس‌زاده، فرمانده انتظامی استان خوزستان به جام جم گفت: شهید سرباز وظیفه محمدرضا رفیعی‌نسب و شهید ستوان یکم ا...نظر صفری بامداد شنبه هفته گذشته از کلانتری ۱۳ بندرامام خمینی(ره) شهرستان بندر ماهشهر هنگام گشتزنی و تامین امنیت بودند که توسط افراد ناشناس در چهارراه معلم بلوار امام خامنه‌ای بندر امام خمینی(ره) به رگبار بسته شدند. بعد از آن پرونده‌ای تشکیل و تحقیقات برای دستگیری متهمان آغاز شد. ماموران در کمتر از یك هفته موفق شدند تعداد ۹ نفر عاملان اصلی و مرتبط این حادثه را شناسایی و بازداشت کنند. خودروی متهمان که روز حادثه از آن استفاده کرده بودند و نیز دو قبضه سلاح کشف شد. متهمان در تحقیقات اعتراف کردند امسال به چند مقر نظامی و انتظامی در سطح استان تعرضاتی داشتند که تحقیقات در این باره ادامه دارد.

گفت‌وگو با افسر جوانی که چهره این روزهای فضای مجازی شده است

پلیسی که دسته‌گل به آب نداد

محمد غمخوار
حوادث

وقتی دید دانش‌آموزان در سیلاب خیابان گرفتار شده‌اند، شلوارش را تا زانو بالا زد و پابرهنه وارد سیلاب خیابان شد تا آنها را نجات دهد. جلوی وانتی را گرفت و دختران دانش‌آموز را داخل خودرو رساند و از منطقه دور کرد. فکر نمی‌کرد لحظه فداکاری‌اش توسط عابران ثبت و به چهره فضای مجازی تبدیل شود. ستوان سوم جواد حاجی‌زاده حاجی اهل قائمشهر است و یك سال و نیم قبل برای خدمت به سیستان و بلوچستان منتقل شد. او می‌گوید: «با شرایط امدادرسانی در هوای بارانی و سیلاب آشنایی داشته و در آن لحظه، جان دانش‌آموزان برای او از هر چیز دیگری مهم‌تر بوده است.»

چند سال است در نیروی انتظامی خدمت می‌کنید؟

تقریبا شش سال قبل وارد نیروی انتظامی شدم. پنج سال اول را در زادگاهم در استان مازندران خدمت کردم. سال ۹۶ در انتقالات سراسری به زاهدان منتقل شدم. یك سال در این شهر بودم و ادامه خدمتم در شهرستان سیب و سوران است.

زندگی صدها کیلومتر دورتر از زادگاه برایتان سخت نیست؟

ما سرباز نظام هستیم و هرجا که نیاز باشد، خدمت می‌کنیم.

ازدواج نکرده‌اید؟

نه. متولد سال ۱۳۶۶ هستم و مجردم.

عکس‌هایت در حال عبور دانش‌آموزان از سیلاب در فضای مجازی منتشر شده، درباره این عکس‌ها توضیح می‌دهید؟

آن روز باران شدیدی در شهرستان سیب و سوران شروع به باریدن کرد و سیلاب در خیابان راه افتاده بود. گاهی ماشین‌ها تا کمر در آب بودند. من و سرگروهبان محمدزاده برای اجرای طرح مدارس در خیابان امام خمینی(ره) حاضر شده بودیم. مدرسه که تعطیل شد، چند دختربچه را دیدم که در آب گرفتار شده و گریه می‌کردند. خیلی ترسیده بودند عبور از خیابان در آن وضع خطرناک بود. با دیدن آنها یاد خواهر خودم افتادم.

به خاطر خدمت در شمال، با این شرایط آشنا بودم. شلوارها را بالا دادم، کفش‌هایم را درآوردم و وارد سیلاب شدم. بچه‌ها را از داخل سیلاب خارج کردم. جلوی وانتی را گرفتیم و بچه‌ها را سوار کرده و از منطقه دور کردیم. بعد با خانواده‌هایشان تماس گرفته و به آنها سپس وضعیت تلاش کردیم ترافیك را کاهش و خودروها را حرکت دهیم.

متوجه شدید از صحنه فداکاریتان عکس گرفته‌اند؟

نه. فردا که به محل خدمت آمدم، همکارانم عکس‌هایی را که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود نشان دادند.

واکنش مردم بعد از انتشار عکس‌ها چه بود؟

هر جا که من را می‌دیدند، تشکر می‌کردند. مردم سیب و سوران خیلی به ماموران نیروی انتظامی لطف دارند و قدرشناس زحمات ماموران هستند.

قاتل زن شیشه‌ای از قصاص گریخت

نگهبان یك کارخانه که دست به جنایت شبانه زده و زن جوانی را کشته بود، با رضایت اولیای دم در برابر حکم قطعی دیه، زندان و شلاق قرار گرفت.

به گزارش جام جم، ماموران کلانتری ملارد بامداد ۲ فروردین سال ۹۱ از پیدا شدن جسد یك زن جوان داخل گونی در خرابه‌ای پشت یك کارخانه مطلع شدند. مأموران شهرداری جنازه زن را داخل گونی پیدا کرده و پلیس را مطلع کرده بودند. شواهد نشان می‌داد این زن در جای دیگری خفه شده و سپس جنازه گونی‌پیچ او به پشت کارخانه منتقل شده است.

تلاش برای افشای هویت این زن آغاز شد و دو روز بعد یك زن سالخورده از ناپدید شدن دختر ۳۰ ساله اش به نام شیوا خبرداد. نشانی‌هایی که زن از دخترش ارائه می‌داد با نشانی‌های جسد مطابقت داشت. به این ترتیب زن سالخورده به پزشکی قانونی رفت و جسد دخترش را شناسایی کرد.

مادر شیوا گفت: دخترم چند سال قبل ازدواج کرد و صاحب فرزند شد؛ اما از دو سال پیش که فرزندش به خاطر بیماری فوت شد، از همسرش جدا شد. شیوا به تنهایی زندگی می‌کرد. او دو روز قبل گفت به خانه یکی از دوستانش می‌رود، اما دیگر به خانه برنگشت. نمی دانم چه کسی دخترم را کشته است.

تلاش برای پیدا شدن ردی از عامل یا عاملان جنایت آغاز شده بود که پلیس در نخستین گام از تحقیق‌ها به بازجویی از رئیس کارخانه‌ای پرداخت که جسد در خرابه‌ای متروك درحاشیه آن کشف شده بود.

مدیر کارخانه گفت: شب‌ها نگهبان کارخانه به نام محمود در آنجا تنهاست.

محمود ۳۷ ساله که مجرد بود، به‌عنوان نخستین مظنون تحت بازجویی قرار گرفت. ضد و نقیض گویی‌های این مرد شك پلیس را دوچندان کرد و وی در بن بست اطلاعاتی گرفتار شد. به این ترتیب لب به اعتراف گشود و به قتل زن تنها اعتراف کرد.

وی در حالی در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میزمحاکمه ایستاد که مادر قربانی که تنها ولی دم بود، از قصاص گذشت ودیه خواست.

محمود در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من نگهبان کارخانه بودم. آخر شب بود که زن جوان مقابل در کارخانه آمد و گفت اعتیاد دارد و از من خواست تا به او جایی دهم تا مواد بکشد. چون هوا سرد بود دلم برایش سوخت و او را به داخل کارخانه دعوت کردم. ما با هم چای خوردیم و او شیشه کشید. مقداری هم به من داد. بعد از مصرف شیشه حالم بد شد. از زن جوان خواستم تا کارخانه را ترك کند اما قبول نکرد. حتی زن جوان به رویم چاقو کشید. من به او مقداری پول دادم اما شروع به داد و فریاد کرد. من هم که تحت تاثیر مصرف شیشه کنترلی بر رفتارم نداشتم او را با شال خودش خفه کردم. تا صبح کنار جنازه خوابیدم و ظهر آن را داخل گونی گذاشتم و با فرغون به خرابه پشت کارخانه منتقل کردم. من کیف او را نیز برداشتم تا پلیس نتواند به هویت او پی ببرد.

در پایان جلسه، قضات دادگاه با توجه به اعلام گذشت اولیای دم، محمود را به پرداخت دیه، ده سال زندان و صد ضربه شلاق محکوم کردند. دیروز این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد.

پلیس در جست‌وجوی والدین ابوالفضل و نازنین

همزمان با یافتن دختر و پسر خردسال رها شده در یکی از محله‌های جنوبی تهران، تحقیقات پلیسی برای یافتن والدین آنها آغاز شده است.

به گزارش جام جم، ساعت ۲۱ شامگاه دوشنبه ۲۲ بهمن امسال مردی که در سوپرمارکتش در حوالی شهرك ولیعصر(عج) تهران مشغول کار بود، متوجه گریه‌های کودکی شد. از مغازه بیرون آمد و با دختر سه ساله و پسر پنج ساله‌ای روبه‌رو شد که نزدیك مغازه‌اش روی زمین نشسته بودند و گریه می‌کردند. مرد مغازه‌دار آنها را به مغازه‌اش برد. دقایقی بعد دوباره به خیابان آمد و اطراف را جست‌وجو کرد و از رهگذران سراغ والدین این دو کودك را گرفت، اما اهالی دو کودك و والدین آنها را نمی‌شناختند. او زمانی که موفق به یافتن والدین کودکان که خودشان را نازنین و ابوالفضل معرفی می‌کردند، نشد با پلیس تماس گرفت و کمك خواست. بعد از این تماس، ماموران کلانتری شهرك ولیعصر(عج) تهران برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شده و دو کودك را تحویل گرفتند و به کلانتری بردند و جست‌وجو برای یافتن والدین آنها را آغاز کردند. این در حالی بود که دو کودك زیاد حرف نمی‌زدند و نام و نشانی از خانواده هایشان در اختیار پلیس قرار نمی‌دادند و فقط گریه می‌کردند. دختر و پسر خردسال شباهت ظاهری به هم داشتند اما حرفی نمی‌زدند که مشخص شود خواهر و برادر هستند یا نه؟

پرونده‌ای در این باره در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. با درخواست بازپرس پرونده تصویر دو کودك در روزنامه چاپ می‌شود تا چنانچه هموطنان از سرنوشت خانواده آنها اطلاعاتی دارند، موضوع را به کلانتری شهرك ولیعصر(عج) خبر دهند.

سرقت ۱۵ میلیاردی مرد مکانیک از خانه مرد برج ساز

مرد مکانیکی که مدعی است در معامله ملک یک میلیارد تومان ضرر کرده ، نقشه سرقت ۱۵ میلیاردی از خانه مرد برج ساز را اجرا کرد.

به گزارش جام جم، رسیدگی به این پرونده از عصر چهارشنبه ۱۷ بهمن سال گذشته و به‌دنبال گزارش سرقت از خانه‌ای در محله سعادت‌آباد در دستور کار پلیس پیشگیری تهران قرار گرفت. ماموران با حضور در محل سرقت به تحقیق از زن میانسال که در خانه حضور داشت پرداختند که او در تشریح ماجرا گفت: ساعت ۱۲ ظهر، سرایدار و مردی مقابل خانه آمدند. سرایدار مدعی شد این مرد مامور پلیس است. مرد ناشناس، کارتی نشان داد و مشخصات همسرم را می‌دانست. طوری وانمود می‌کرد که با سازمانی در ارتباط است. او دست و پای مرا بست و کلید گاوصندوق را خواست. پس از باز کردن در گاوصندوق، هرچه داخل آن بود را برداشت و رفت. بعد از رفتن او، سرایدار که مانند من دست و پایش بسته بود، همسایه‌ها را خبر کرد و همسایه‌ها به ما کمک کردند.

ماموران با بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت، شماره خودروی سارق مسلح را پیدا کرده و او را دستگیر کردند. در تحقیق از متهم مشخص شد، او از داخل گاوصندوق خانه حدود ۱۵ میلیارد تومان سرقت کرده بود.

سارق فکر نمی‌کرد ۲۴ ساعت بعد از سرقت شناسایی و دستگیر شود. سارق مسلحی که سابقه ندارد و برای اولین بار است که بازداشت می‌شود.

گفت‌وگوی جام جم با متهم را در ادامه می‌خوانید:

چکاره هستی؟

مکانیکم.

چرا تصمیم به سرقت مسلحانه گرفتی؟

اوایل امسال، بنگاهداران در شمال کشور، ملک مرا حدود یک میلیارد تومان پایین‌تر به شاکی که برج‌ساز است، فروختند. وقتی متوجه شدم، سراغ شاکی رفته و او گفت هر کاری می‌خواهی برو بکن. من هم برای تلافی تصمیم به سرقت از خانه‌اش گرفتم.

چند وقت است این نقشه را طراحی کردی؟

دو روز قبل از سرقت تصمیم گرفتم و بعد اجرا کردم.

اسلحه و شوکر را چطور تهیه کردی؟

اسلحه مربوط به دوران جنگ است و گلوله نداشت. چندبار گوشی‌ام را سرقت کردند و برای دفاع شوکر گرفتم و همراه داشتم.

قیافه‌ات را تغییر داده بودی؟

فقط کلاه گیس گذاشتم.

چرا از گاوصندوق سرقت کردی؟

می‌خواستم یک میلیارد تومان ضررم را جبران کنم و بقیه پول را برگردانم.

کارت را چطور جعل کردی؟

آرم روی کلاه پلیس بود که نشان دادم.

کارآگاه‌بازی دزدان بعد از سرقت خودروها

متهم سابقه‌داری که بعد از آزادی از زندان همراه دوستش خودروهای پارك شده در خیابان را سرقت و بعد با کارآگاه‌بازی، اطلاعات پرونده را از شاکیان می‌گرفت، بازداشت شد.

به گزارش جام جم، سوم آبان امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایتی مبنی برسرقت خودروی مزدا ۳ خود مطرح کرد.

شاکی به افسر تحقیق گفت: کارمند شهرداری‌ام و امروز با همسر و فرزندانم برای خرید به محله لاله‌زار رفته بودیم. خودرویم را در خیابان پارك کردم و زمانی که بازگشتیم، متوجه سرقت خودرو شدم. دو مرد که لباس شخصی به تن داشتند و می‌گفتند از کارآگاهان پلیس آگاهی هستند سراغم آمدند و کارت شناسایی نشان دادند. آنها شماره‌ام را گرفتند تا اگر خودرویم پیدا شد، خبر دهند.

آنها دو روز بعد با من تماس گرفته و درباره روند پرونده پرسیدند که گفتم هنوز خبری نشده است. با بررسی دوربین‌های مداربسته و مشاهده چهره سارقان متوجه شدم دو مردی که خود را کارآگاه معرفی کرده بودند، سارقان خودرویم هستند.

در این مرحله با تشکیل پرونده قضایی در شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، با دستور بازپرس قریب احمدزاده، تحقیقات ماموران ادامه داشت تا این‌که مالکان خودروهای پراید و ماکسیمایی نیز با حضور در پلیس آگاهی از سرقت خودروهایشان به شیوه‌ای مشابه در محله‌های شمال‌غرب تهران و جردن خبر دادند. تحقیقات نشان می‌داد آنها نیز در دام همان کارآگاهان قلابی گرفتار شده‌اند. جست‌وجوها ادامه داشت تا این‌که مدتی بعد ماموران خودروهای سرقتی را که پلاك‌های دزدی روی آنها نصب شده بود و نشان می‌داد اموال و قطعات داخل خودروها سرقت شده بدون سرنشین در محله‌های جنوبی تهران پیدا کردند.

جست‌وجوهای پلیسی ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش ماموران انتظامی هنگام گشتزنی در شمال غرب تهران به خودروی ماکسیمایی مظنون شدند که پلاکش سرقتی بود. راننده بازداشت و در بازرسی خودرو پیچ‌گوشتی و وسایل سرقت و اموال دزدی از جمله ضبط و پنل و کارت‌های کارآگاهی پلیس آگاهی کشف شد.

بررسی‌های اولیه نشان می‌داد، چهره او با یکی از سارقان تحت تعقیب پلیس مطابقت دارد و خودروی سرقتی به پارکینگ منتقل شد. متهم ۳۹ ساله سابقه‌دار که به‌تازگی از زندان آزاد شده بود، در جریان تحقیقات به این دزدی‌های سریالی با همدستی دوست فراری‌اش اعتراف کرد و به افسر تحقیق گفت: از محله‌هایی که مرکز خرید بود، خودرو سرقت و چند محله پایین‌تر پارك می‌کردیم. دوباره به محل سرقت بازگشته و خود را کارآگاه معرفی کرده و تلفن مالباخته را می‌گرفتیم. در تماس با او از روند پیگیری پرونده باخبر می‌شدیم. بعد از سرقت لوازم باارزش خودروها، آنها را در محل‌های خلوت رها می‌کردیم.

با اعتراف متهم، همدستش نیز تحت تعقیب پلیس آگاهی قرار گرفت.

متهمان با کارآگاه‌بازی اطلاعات پیگیری پرونده را از مالباختگان می‌گرفتند

تلنگر

کلاهبرداری در پوشش جذب مدرس در دیوار

فروشنده سابق سوالات کنکور این بار در پوشش جذب مدرس کلاهبرداری کرد. متهم با دادن آگهی در دیوار و روزنامه طعمه‌هایش را شناسایی می‌کرد.

به گزارش جام جم، ۲۵ دی امسال پرونده‌ای با موضوع کلاهبرداری به پایگاه سوم پلیس آگاهی ارسال شد که بررسی شکایت مالباختگان نشان داد، آنها از سوی مدیر یك مؤسسه به نام «منشور ادبیان» مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند.

این افراد در اظهارات خود اعلام کردند که از طریق سایت دیوار و آگهی تبلیغاتی یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار، به مؤسسه‌ای به نام «منشور ادبیان» که مدعی جذب مدرس برای تدریس در آموزشگاه‌های مختلف بود، مراجعه کرده و در زمان تنظیم قرارداد مبالغ مختلفی از ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان از آنان دریافت شده اما با گذشت زمان این افراد به آموزشگاه‌ها و دیگر مؤسسات علمی معرفی نشده بودند.

در بررسی‌های پلیسی مدیر مؤسسه به نام «سعید» ۵۲ ساله شناسایی شد. بررسی سوابق سعید نشان داد که او یکی از مجرمان سابقه‌دار است که پیش از این نیز بارها به اتهام کلاهبرداری در پوشش فروش سوالات کنکور و جعل مدارك دولتی دستگیر و روانه زندان شده که سرانجام در محدوده خیابان کارگر شناسایی و در مخفیگاهش دستگیر شد.

برخورد قضایی با دندانپزشك متخلف

مطب پزشکی که در مرگ روناك قصور کرده بود با دستور دادستان اراك پلمب شد.

به گزارش فارس، قصور دندانپزشکی که در شهریور امسال بر اثر یك اشتباه پزشکی منجر به مرگ روناك در آستانه تولد سه‌سالگی‌اش شد، چند روز پیش پسری به نام امیرعلی را هم به کما فرستاد. خانواده این دو کودك از مرد پزشك شکایت کردند و پرونده‌ای در این باره در دادسرای شهر اراك تشکیل شد.

عباس قاسمی، دادستان اراك در این باره گفت: پرونده‌ای در این باره در شعبه یك بازپرسی اراك تشکیل شده و رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفته است. منتظر اعلام نظر سازمان نظام پزشکی استان مرکزی هستیم. همچنین دستور پلمب مطب پزشك صادر شده و تا اطلاع ثانوی از فعالیت پزشك ممانعت به عمل آمده است.

قتل مرد ۷۰ ساله با انگیزه سرقت

دو مرد که با انگیزه سرقت، مرد سالخورده را کشته و خانه‌اش را آتش زده بودند بازداشت شدند.

مجید کاویانی، دادستان عمومی و انقلاب شهرقدس در این باره به فارس گفت: هفته گذشته وقوع قتل مرد ۷۰ ساله به دادستانی گزارش شد. با دستور قضایی تحقیقات پلیسی آغاز و معلوم شد که قبل از قتل دست و پای او توسط قاتلان بسته شده بود. متهمان گردنبند یکی از اعضای خانواده را به زور دزدیده و بعد از به‌هم ریختن آنجا خانه را به آتش کشیده بودند. در جریان آتش‌سوزی به اعضای خانواده آسیبی وارد نشده بود. یکی از متهمان ساعاتی بعد از این جنایت و متهم دیگر هم که فراری بود روز بعد بازداشت شد. آنها در بازجویی پلیسی به قتل با انگیزه سرقت اعتراف کردند.

حکم اعدام برای سارقان جایگاه سوخت

سارقانی که مسلحانه به جایگاه‌های سوخت کرمان دستبرد زده بودند بعد از محاکمه در دادگاه انقلاب به اتهام محاربه به اعدام محکوم شدند.

احمد قربانی، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمان به جام جم گفت: ۱۷ فروردین امسال سارقان مسلح به جایگاه سوخت آفتاب کرمان حمله کرده و پس از تیراندازی و ایجاد رعب و وحشت، پرسنل مشغول به کار در آن جایگاه را تهدید کردند و با سرقت پول‌های آنجا متواری شدند. متهمان در ادامه به پمپ بنزین دیگری و دو خانه دستبرد زدند. متهمان بعد از مدتی دستگیر شدند و یك قبضه سلاح کلاشینکف از آنها کشف شد.